

ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری

سیدعباس موسویان*

چکیده

با گسترش نظام سرمایه‌داری به ویژه صنعت بانکداری در کشورهای اسلامی، اندیشه‌وران مسلمان از یک سو به فکر استفاده از بانک افتادند و از سوی دیگر، فعالیت‌های بانک را آمیخته با قرض با بهره می‌دیدند که از دیدگاه اسلام، ربا و ممنوع است. برای حلّ این مشکل، گروهی از عالمان به فکر طراحی الگوی جدیدی از بانک به نام بانکداری بدون ربا افتادند. گروهی دیگر با ارائه تفسیری جدید از ربا درصد تجویز بانکداری متعارف برآمدند.

برخی از اندیشه‌وران گروه دوم، با استناد به ادله‌ای اعتقاد دارند: چیزی که به صورت ربا در اسلام و قرآن تحریم شده، گرفتن زیاده در قرض‌های مصرفی است و به ادله هفتگانه ادعا می‌کنند بهره قرض‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری ربا و حرام نیست؛ در نتیجه، آن بخش از فعالیت‌های بانک‌های متعارف که در ارتباط با بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است، اشکالی نخواهد داشت.

مقاله حاضر با بررسی پیشینه تاریخی این عقیده، به نقد و بررسی ادله مذکور می‌پردازد و نشان می‌دهد که هیچ‌یک از آن ادله تمام نیست و ربای قرضی چه در امور مصرفی و چه در امور تولیدی و سرمایه‌گذاری، از دیدگاه اسلام حرام و ممنوع است و یگانه راه استفاده از بانک، رفتن سراغ معاملات مجاز شرعی و طراحی بانکداری بدون ربا است.

واژگان کلیدی: قرض مصرفی، قرض تولیدی، تجاری، سرمایه‌گذاری، ربای جاهلی، مضاربه، بیع نسبه،

ظلم، اکل مال به باطل، صدقه.

با گسترش نظام سرمایه‌داری و نفوذ آن در کشورهای اسلامی، برخی از روشنفکران و عالمان دینی که تحت تأثیر پیشرفت و شکوفایی اقتصاد غرب قرار گرفته بودند، کوشیدند نظام اقتصاد سرمایه‌داری را در کشورهای اسلامی رواج دهند؛ اما موانع بسیاری بر سر راه این مقصد قرار داشت. از جمله مهم‌ترین این موانع، حکم ممنوعیت ربا در اسلام بود. این افراد از یک سو می‌دیدند غالب عناصر نظام سرمایه‌داری چون بانک‌ها، مؤسسه‌های پولی و مالی و اکثر بنگاه‌های اقتصادی براساس قرارداد قرض با بهره فعالیت می‌کنند که از دیدگاه فقه اسلام ربا است و از سوی دیگر ربا در قرآن و سنت به شدت تحریم شده (بقره ۲)، (۲۷۵)، جزو گناهان «کبیره» شمرده شده (همان: ۲۷۶) و ارتکاب آن اعلان جنگ با خدا و رسول به‌شمار آمده است (همان: ۲۷۸). برای حل مشکل به فکر افتادند بین اعتقادات مذهبی و عناصر نظام سرمایه‌داری، سازگاری ایجاد کنند. بر این اساس کوشیدند تفسیرهای جدیدی از ربا ارائه دهند تا موانع سر راه نظام سرمایه‌داری را بردارند.

تفسیرهای جدید و هدفمند ربا نخست از سوی برخی اندیشه‌وران اهل سنت مطرح شد؛ اما به تدریج توسعه یافته، وارد حوزه‌های شیعه شد و برخی عالمان شیعه نیز آن را تأیید کردند. مفسران جدید اندیشه‌های بسیاری را مطرح کردند؛ اما آنچه تا حدودی در محافل علمی جایگاهی یافت، تفسیرهای ذیل بود.

۱. در اسلام فقط گرفتن زیادی برای تمديد مهلت بدهی به صورت ربا حرام شده؛ پس در قراردادهای قرض با بهره که زیادی برای اصل قرض است نه تمديد مهلت آن، اشکال نخواهد داشت.
۲. چیزی که در اسلام به صورت ربا تحریم شده، بهره فاحش و زیاد است که باعث می‌شود مبلغ بدهی به چند برابر اصل قرض برسد؛ بنابراین، گرفتن نرخ‌های بهره کم و عادلانه اشکال نخواهد داشت.
۳. اسلام فقط گرفتن زیادی در قرض‌های مصرفی را به صورت ربا تحریم کرده است که نیازمندان برای تهیه نیازمندی‌های زندگی مجبور به قرض می‌شوند؛ بنابراین، پرداخت بهره به قرض‌های سرمایه‌گذاری که به هدف تولید و کسب درآمد صورت

می‌گیرد، اشکال نخواهد داشت.

۴. چیزی که در اسلام به صورت ربا تحریم شده، گرفتن زیاده‌ای ثابت و از قبل تعیین شده است که فقط در جوامع سنتی رخ می‌دهد؛ پس بهره بانکی که به جهت وجود تورم، متغیر و غیرقابل تعیین است، ربا نخواهد بود.

بدون تردید نمی‌توان در یک مقاله به صورت علمی به همه این دیدگاه‌ها پرداخت و به چند مقاله یا تحقیق جامع نیاز دارد. در این مقاله، به بررسی یکی از این دیدگاه‌ها یعنی تفصیل بین بهره قرض‌های مصرفی و قرض‌های تولیدی و تجاری می‌پردازیم. در این جهت، نخست به شرح موضوع و بعد به پیشینه تاریخی این دیدگاه و معرفی صاحب‌نظران عمده آن می‌پردازیم؛ آن‌گاه با توضیح ادله آنان، به نقد و بررسی ادله و اصل دیدگاه می‌پردازیم.

انواع قرض

اقتصاددانان، قرض را به دو نوع عمده قرض‌های مصرفی یا استهلاکی، و قرض‌های تولیدی و تجاری یا انتاجی تقسیم می‌کنند.

قرض مصرفی یا استهلاکی، قرضی است که قرض‌کننده به هدف تأمین نیازهای مصرفی قرض می‌کند؛ مانند خانواری که برای تهیه غذا، لباس، هزینه درمان، تهیه مسکن و مانند آن‌ها استقراض می‌کند.

قرض تولیدی و تجاری که به آن قرض انتاجی یا سرمایه‌گذاری نیز می‌گویند، قرضی است که در آن، قرض‌کننده به هدف سرمایه‌گذاری و تأمین سرمایه مورد نیاز جهت تأسیس یا توسعه یا استمرار فعالیت اقتصادی استقراض می‌کند.

تا حدود صد سال پیش، فقیهان اسلام اعم از شیعه و سنی، بین انواع قرض تفصیلی قائل نبودند و با استناد به عموم و اطلاق آیات و روایات، گرفتن زیاده (بهره) در هر نوع قرضی را ربا و حرام می‌دانستند؛ اما از حدود صد سال پیش، برخی روشنفکران و عالمان اسلامی با استناد به شواهد و ادله‌ای بین این دو نوع قرض تفکیک قائل شدند. آنان گرفتن بهره در قرض‌های مصرفی را ربا و حرام می‌دانند؛ اما گرفتن بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری را ربا ندانسته و حرام نمی‌دانند.

پیشینه تاریخی بحث

مسأله حرمت ربا به دین اسلام اختصاصی ندارد، در آیاتی از تورات (عهد قدیم، سفر تثئیه، باب ۲۴، آیه‌های ۱۰-۱۴) و انجیل (انجیل متی، فصل ۵، آیه‌های ۱۷-۱۹؛ انجیل لوقا، فصل ۶، آیه‌های ۳۴ و ۳۵) نیز ربا برای یهودیان و مسیحیان تحریم شده است و چنان‌که در روایات آمده، ربا در تمام ادیان الهی تحریم شده است. امام رضا علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

اعلم یرحمک الله ان الربا حرام سحت من الکبائر و ممّا قد وعدالله علیه النار فتعود بالله منها و هو محرّم علی لسان کلّ نبی و فی کلّ کتاب (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۳، ص ۱۲۱، ح ۳۳).

بدان خداوند تو را رحمت کند به‌درستی که ربا حرام، باطل و از گناهان کبیره است و از جمله جرایمی است که خداوند بر آن وعده عذاب داده است؛ پس، از آن به خدا پناه می‌بریم. ربا در کلام همه پیامبران و در همه کتاب‌های آسمانی حرام شده است؛

بنابراین، ممنوعیت ربا نه‌تنها برای مسلمانان، بلکه برای یهودیان و مسیحیان و پیروان سایر ادیان آسمانی نیز حرام بود. کنار این تحریم عمومی، تلاش برای تجویزهای برخی معاملات نیز از طرف پیروان ادیان گوناگون مشاهده می‌شود و به همین سبب، مشابهت‌های بسیاری بین نظریه‌پردازان یهودی، مسیحی و مسلمان وجود دارد.

نظریه تفکیک بین قرض‌های مصرفی و تولیدی و تجاری نیز از این قبیل است. قبل از مسلمانان، برخی عالمان مسیحی این دیدگاه را داشتند.

از قرن سیزدهم میلادی، اقتصاد اروپا تحول اساسی یافت. تجارت که تا آن زمان شغل پستی به‌شمار می‌آمد، ارزش یافته بود. فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی رو به توسعه بود و همه این فعالیت‌ها به سرمایه نقدی نیاز داشت و ثروتمندان به اعطای قرض بدون بهره حاضر نبودند. این عوامل عالمان کلیسا را تحت فشار قرار داده بود که در مسأله ربا تجدیدنظر کرده یا تخفیف دهند. در این ایام، سن توماس اکوینی نظریه‌ای داد که منشأ تحولاتی شد. وی گفت:

کسی که دارایی خود را به تاجر یا صنعتگر می‌سپارد تا با او شریک شود، به‌طور قطع، مالش را به‌طور کامل در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد که هرگونه خواستند تصرف کنند؛ بلکه این حق را برای خود حفظ می‌کند که تاجر و صنعتگر با مسئولیت او تجارت و صنعتگری کند؛ بنابراین، مالک مال می‌تواند قسمتی از سود را مطالبه کند (رفیق‌المصری، ۱۴۰۷ق: ص ۱۱۱).

مقصود سن توماس این بود که صاحب سرمایه در جایگاه شریک، همان‌طور که در مخاطرات سرمایه‌گذاری شریک است در سود حاصل نیز شریک خواهد بود؛ اما تجویزکنندگان ربا به عمد یا جهل، سخن وی را از عقد شرکت به قرض توسعه دادند و گفتند: کسی که به تاجر یا صنعتگری قرض می‌دهد می‌تواند در قبال سهم خود از سود، بهره بگیرد (همان: ص ۱۱۲).

کالوین (۱۵۰۹-۱۵۶۴م) نخستین عالم مسیحی است که به‌صورت رسمی نظریه عقیم‌بودن پول ارسطو و دلیل ظالمانه‌بودن ربا را مورد سؤال قرار داد و با تشبیه بهره قرض به اجاره زمین و مغازه، از وجود بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری دفاع کرد. وی می‌گفت:

درست است که پول نقد عقیم و نازا است؛ ولی این وقتی است که آن را به‌کار نگیریم؛ اما اگر قرض‌گیرنده آن را معطل نگذارد و به سرمایه‌گذاری اقدام کند، این پول همانند زمین و ساختمان سودآوری خواهد داشت و اگر مقداری از سود را به صاحب پول دهد، ظلمی اتفاق نمی‌افتد (همان: ص ۱۱۷).

کالوین، عالمان دینی را تشویق می‌کرد که برای مدتی تجارت کنند و با انواع معاملات از نزدیک آشنا شوند تا بهتر بتوانند فتوا داده، مردم را راهنمایی کنند (همان: ص ۱۱۹).

بعد از کالوین، برخی عالمان مسیحی، حقوقدانان، اقتصاددانان و تاجران که به تجویز ربا علاقه‌مند بودند، تلاش‌های گسترده‌ای انجام دادند تا این‌که از قرن هفدهم به بعد، گرفتن قرض با بهره در کشورهای اروپایی تجویز و قانونی شد (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ص ۶۲ - ۷۰).

با گسترش نظام سرمایه‌داری به‌ویژه صنعت بانکداری به کشورهای اسلامی، دولتمردان، تاجران و صاحبان بانک‌ها و مشاغل صنعتی و کشاورزی با مشکل ممنوعیت ربا مواجه، و برای حل آن، دست به دامن عالمان دین شدند. این‌جا بود که اندیشه‌وران به دو گروه تقسیم شدند: گروهی با پذیرش نظام سرمایه‌داری و بانکداری ربوی درصدد ارائه تفسیری جدید از ربا برآمدند تا با معاملات بانکی سازگار باشد و گروه دوم ضمن پذیرش اصل پدیده بانک، درصدد برآمدند معاملات بانک را براساس آموزه‌های اسلام طراحی کنند که الگوی بانکداری بدون ربا نتیجه این تلاش‌ها بود.

یکی از تفاسیر جدید ربا که برای حل مشکل نظام سرمایه‌داری به‌ویژه بانک‌های ربوی مطرح شد، نظریه معروف «اختصاص ربا به بهره‌های قرض‌های مصرفی» بود. این نظریه ابتدا از سوی برخی اندیشه‌وران اهل سنت چون رشیدرضا (رشیدرضا، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۱۶)، شیخ شلتوت (شلتوت، ۱۳۹۵ق: ص ۳۵۳)، معروف الدوالیبی (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ص ۳۰۰)، مصطفی الزرقا (زرقا، ۱۳۸۸ق: ص ۷۰) مطرح شد؛ برای مثال، معروف الدوالیبی در سال ۱۹۵۱ میلادی در کنفرانس فقه اسلامی که در پاریس برگزار شد، گفته بود:

ربایی که در اسلام تحریم شده، در خصوص قرض‌های مصرفی است و شامل قرض‌هایی که برای تولید گرفته می‌شود، نمی‌گردد. در قرض‌های مصرفی، رباخواران با سوءاستفاده از نیاز فقیران، بهره‌های سنگینی را بر آنان تحمیل می‌کردند، و به همین خاطر، اسلام آن را تحریم کرد؛ ولی امروزه اوضاع اقتصادی جهان تغییر کرده و مؤسسات تولیدی و تجاری در سراسر کشورها به وجود آمده است و بیشتر قرض‌ها از مصرفی به سرمایه‌گذاری تبدیل شده‌اند؛ پس لازم است متناسب با این تحول، احکام مربوطه نیز تغییر کند (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ص ۳۰۰).

از چندی پیش، برخی از عالمای شیعه چون آیت‌الله بجنوردی (بجنوردی، ۱۳۷۷: ص ۴۳۳)، آیت‌الله معرفت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵/۱۱/۲۷: صفحه معارف اسلامی) و آیت‌الله صانعی (صانعی، ۱۳۸۳: ص ۲۸) به جمع طرفداران این نظریه پیوسته‌اند. آیت‌الله صانعی بعد از توضیح قرض و ربای تولیدی می‌گوید:

مشهور فقیهان، به اطلاق و عموم روایات و آیات استناد کرده و آن [ربای تولیدی] را تحریم کرده‌اند؛ ولی مدعای ما این است که این رقم حرام نیست و ادله تحریم، شامل آن نمی‌شود (همان: ص ۳).

ادله نظریه «اختصاص تحریم ربا به قرض‌های مصرفی»

قائلان نظریه حلیت ربا و بهره‌های قرض‌های تولیدی و تجاری، برای مدعای خود ادله‌ای را مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها چنین است.

۱. اختصاص ربای جاهلی به بهره‌های مصرفی

غالب طرفداران حلیت ربای قرض‌های تولیدی و تجاری می‌گویند: آیات ربا به تحریم ربایی ناظر است که اعراب جاهلی می‌شناختند و با آن معامله می‌کردند و آنچه بین اعراب رواج داشت، قرض‌های مصرفی بود و قرض‌های سرمایه‌گذاری بعد از گسترش

فعالیت‌های تولیدی و تجاری و احتیاج به سرمایه‌های متراکم رواج یافت و به چند قرن اخیر مربوط است.

آیت‌الله صانعی در این باره می‌گوید:

از تفاسیر و کتب روایی و تاریخی به دست می‌آید که در زمان نزول آیات قرآن، ربای استهلاکی [= مصرفی] رواج داشته است. خواه در ابتدای فرض گرفتن، زیاده شرط می‌شد - که از نظر فقهی به قرض به شرط تعبیر می‌شود و یا ربا برای تأخیر در زمان پرداخت یا تقسیط بدهی دریافت می‌شد بدین ترتیب که وقتی تاریخ بازپرداخت می‌رسید و بدهکار، توان ادای قرض را نداشت، طلبکار تقاضای مبلغی جهت مهلت دادن می‌کرد...؛ لیکن امروزه صورتی دیگر برای ربا متصور است که به ندرت در گذشته یافت می‌شد و از مختصات زندگی پیشرفته امروزی است و آن این‌که شخص ثروتمند، جهت سرمایه‌گذاری اقتصادی (چون ساختمان‌سازی، ساخت و راه‌اندازی کارخانه، احداث مرغداری و ...) نیاز به سرمایه تکمیلی دارد؛ یعنی مبلغ قابل توجهی از سرمایه را دارد و توان انجام دادن کار را در خود می‌بیند و برای تکمیل سرمایه، قرض می‌گیرد و در مقابل آن، زیادتی شرط می‌کند... این نوع از ربا را ربای انتاجی و تولیدی می‌نامند... مدعای ما این است که این قسم حرام نیست و ادله تحریم شامل آن نمی‌شود (همان: ص ۲۹ - ۳۱).

۲. قدر متیقن از آیات و روایات، تحریم ربای قرض‌های مصرفی است.

طرفداران این نظریه معتقدند که آیات قرآن و روایات گرچه از جهت تحریم، ظاهر، بلکه صریح هستند، از جهت قلمرو دلالت اجمالی دارند. همه آیات ربا بدون متعرض شدن به موضوع ربا، حرمت و عقوبت دنیایی و آخرتی آن را مطرح می‌کنند. روایات ربا نیز گرچه موضوع ربا را متعرض شده و «قرض به شرط زیادی» را از مصادیق ربا شمرده‌اند، هیچ توضیحی درباره نوع قرض نداده‌اند؛ بنابراین، بر فرض هم که آیات و روایات به ربای جاهلی که خصوص قرض‌های مصرفی است ناظر، نباشد دست‌کم اجمال دارد و قدر متیقن از آنها، همان است و شامل قرض‌های تولیدی و تجاری نمی‌شود (همان: ص ۳۱ - ۴۱).

۳. ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری ظلم نیست.

خداوند متعالی در علت تحریم ربا می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ

رَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره (۲)، ۲۷۸ و ۲۷۹).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید، اگر مؤمنید، و اگر [چنین] نکردید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن خودتان است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

مطابق این آیات، علت تحریم ربا، ستم است و ستم فقط در قرض‌های مصرفی مطرح می‌شود. زمانی که فردی برای تأمین هزینه نیازهای ضروری زندگی چون غذا، پوشاک و درمان استقراض می‌کند، وظیفه انسانی و ایمانی اقتضا دارد که از چنین فردی حمایت شود و روشن است که گرفتن هر نوع زیادی و افزودن بر مشکلات او، ستم است؛ اما در قرض‌های تولیدی و تجاری که صنعتگر یا تاجر برای توسعه فعالیت اقتصادی خود قرض می‌کند و از به‌کارگیری اموال قرض گرفته شده، سود می‌برد، چه ستمی رخ می‌دهد. اگر شرط شود بخشی از سود به قرض‌دهنده پرداخت شود، قرض‌دهنده‌ای که اگر مال او نبود، تولیدکننده و تاجر به چنین سودی دست نمی‌یافت، چه ستمی رخ می‌دهد؟ به تعبیر رشیدرضا، «این چه ظلمی است که هم ظالم از آن خوشحال است و هم مظلوم» (رشیدرضا، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۱۶).

به عبارت دیگر، قرآن می‌فرماید:

ربا نگیرید؛ چون ربا از دیدگاه عرف و عاقلان ستم است و این به ربای استهلاکی اختصاص دارد و در ربای انتاجی و تولیدی مطرح نیست (همان: ص ۳۶ و ۳۷).

۴. ربای تولیدی اکل مال به باطل نیست

در سوره نساء، خداوند متعالی در بیان علت مجازات قوم یهود می‌فرماید:

وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ (نساء (۴)، (۱۶۱)).

و به سبب ربا گرفتنشان، با آن‌که از آن نهی شده بودند، و به ناحق مال مردم خوردنشان.

در این آیه، «اکل مال به باطل» به صورت ذکر عام بعد از خاص آمده و دلالت می‌کند که علت تحریم ربا از نظر قرآن، «اکل مال به باطل» بودن ربا است. این علت در روایات نیز وارد شده است.

محمد بن سنان، نامه‌ای به امام رضا علیه السلام نوشته، از مسائلی می‌پرسد. امام در بخشی از

پاسخ نامه می‌نویسد:

علت تحریم ربا این است که خداوند عزوجل از ربا نهی کرد؛ چون مایه تباهی امور است؛ زیرا

اگر انسان یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای یک درهم، یک درهم است و بهای درهم دیگر باطل و ناحق است ... (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۱۲۱).

بدون شک، گرفتن زیادی در قرض‌های مصرفی که در افزایش ثروت فرد و جامعه هیچ نقشی ندارند، اکل مال به باطل خواهد بود؛ اما قرض‌های انتاجی و تولیدی، در اقتصاد نقش سازنده دارند و باعث افزایش سود تولیدکننده و ثروت جامعه می‌شوند؛ پس اشتراط بخشی از سود حاصل از به‌کارگیری قرض برای قرض‌دهنده به ناحق و باطل نیست (صانعی، ۱۳۸۳: ص ۴۲)؛ بلکه عین عدالت و حق است (رشیدرضا، بی‌تا: ص ۱۱۶).

۵. ظهور برخی آیات و روایات در ربای مصرفی است.

کنار خیلی از آیات و روایات تحریم ربا، سفارش به صدقه و انفاق و بخشش شده و از طلبکار خواسته شده حال بدهکار را رعایت کند و در صورت نیاز به او فرصت دهد؛ برای مثال، در آیات سوره بقره می‌خوانیم.

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (بقره (۲)، ۲۷۶).

خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند هیچ ناپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد.

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (همان: ۲۸۰).

و اگر [بدهکار] قدرت پرداخت بدهی را نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی مهلت دهید و اگر به او ببخشید، بهتر است، اگر [منافع این‌کار را] بدانید.

قرارگرفتن آیات انفاق کنار آیات تحریم ربا، قرینه آن است که ربای محرم چیزی است که به جای انفاق قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، آن‌جا که باید انفاق شود و دستگیری صورت پذیرد، اگر مسلمان چنین نکند و زیاده بستاند، ربا خواهد بود و این، همان ربای مصرفی است؛ وگرنه ربای تولیدی و تجاری چنین نیست که جای انفاق نشسته باشد؛ بلکه قرض‌گیرنده خود بی‌نیاز است و برای سرمایه‌گذاری بیشتر به قرض متوسل شده (رفیق‌المصری، ۱۴۰۷ق: ص ۱۵۲؛ صانعی، ۱۳۸۳: ص ۲۱).

۶. ظهور تعلیل روایات در ربای مصرفی است

در روایات تحریم ربا، علل و اسبابی ذکر شده که بر ربای تولیدی و تجاری انطباق ندارد. در این روایات آمده است که ربا، سبب رکود اقتصادی و تعطیلی دادوستد و تجارت کشور می‌شود؛ برای مثال به دو نمونه اشاره می‌کنیم.

هشام بن الحکم نقل می‌کند:

انه سأل ابا عبدالله عليه السلام عن علة تحريم ربا، فقال عليه السلام: إنه لو كان الربا حلالاً لترك الناس التجارات و ما يحتاجون اليه، فحرم الله الربا لتنفر الناس من الحرام الى الحلال و الي التجارات من البيع و الشراء (حرّ عاملي، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۱۲۰).

هشام می‌گوید: از امام صادق عليه السلام از علت تحریم ربا پرسیدم، حضرت فرمود: اگر ربا حلال بود، مردم، دادوستد و معاملات را رها می‌کردند. خداوند آن را حرام کرد تا مردم از حرام به حلال و به سوی دادوستد و تجارت روی آورند.

زراره از امام صادق عليه السلام نقل کرده است که حضرت عليه السلام فرمود:

انما حرم الله الربا لئلا يذهب المعروف (همان).

همانا خداوند، ربا را تحریم کرد تا معروف از میان نرود.

روشن است که ربای تولیدی و تجاری، نه تنها سبب رکود اقتصادی نمی‌شود، بلکه باعث رونق تولید و اقتصاد است (صانعی، ۱۳۸۳: ص ۴۳).

۷. سیره عقلا بر صحت ربای تولیدی است

می‌توان گفت که سیره عقلا بر حلیت ربای انتاجی و تولیدی دلالت دارد و شارع مقدس نیز از آن ردع نکرده است و این خود می‌تواند شاهی بر حلیت باشد. نباید گفت: این سیره تا زمان شارع امتداد ندارد، تا عدم ردع آن کاشف از امضا باشد؛ زیرا در معاملات که مبنایش امضا است نه تأسیس، عدم ردع شارع، برای امضا کفایت می‌کند (همان: ص ۴۵).

نقد و بررسی نظریه اختصاص حرمت ربا به قرض‌های مصرفی

قبل از بررسی ادله هفتگانه طرفداران نظریه اختصاص حرمت ربا به قرض‌های مصرفی، بیان یک مطلب ضرورت دارد و آن این‌که مقتضای اولیه آیات و روایات ناظر به تحریم ربا چیست. آیا به اقتضای اولی آیات و روایات، هر قرض با بهره‌ای حرام است یا اقتضای اولیه آن‌ها قرض‌های خاص است یا آیات و روایات اجمال دارند و نمی‌توان از دلالت لفظی و مقامی آن‌ها استفاده کرد؟ بر این اساس، ابتدا از مفاد اولیه آیات و روایات و بعد از میزان دلالت ادله تخصیص حرمت درباره قرض‌های مصرفی بحث می‌کنیم.

مفاد اولیه آیات و روایات تحریم ربا

چنان‌که فقیهان و مفسران در طول تاریخ فقهات و تفسیر تصریح کرده‌اند، آیات و روایات تحریم ربا، بر فرض که درباره برخی مسائل اجمال داشته باشند، درباره انواع قرض‌های با بهره و این‌که قرض‌کننده با چه هدفی قرض می‌کند، عمومیت و اطلاق، بلکه تصریح دارند. در این قسمت به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱. میزان دلالت آیات قرآن

۱. آیه ۳۹ روم:

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِرَبُوبَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (روم (۳۰)، ۳۹).

آنچه به صورت ربا می‌دهید تا در اموال مردم فرونی یابد، نزد خدا فرونی نخواهد یافت و آنچه را به صورت زکات می‌پردازید و فقط رضای خدا را می‌طلبید، مایه برکت است و کسانی که چنین می‌کنند، دارای پاداشی دوچندان هستند.

مفسران در تفسیر این آیه اختلاف نظر دارند و بیش از شش نظر در مورد آن گفته‌اند (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ص ۱۰۴ - ۱۰۹) و نظر راجح هم آن است که این آیه به ربای حرام ناظر نیست (همان: ص ۱۰۵)؛ اما اگر بپذیریم که این آیه به ربای محرّم ناظر است، آیه نه تنها به اطلاقش شامل قرض‌های سرمایه‌گذاری می‌شود، بلکه به اعتقاد ابن عباس، نخعی، و ابن عربی، به خصوص قرض‌های سرمایه‌گذاری ناظر است. این گروه معتقدند:

آیه در خصوص افرادی است که به خویشاوندان خود، مالی را قرض می‌دادند تا آنان با به‌کارگیری آن، ثروتمند شوند (آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۲۱ - ۲۰؛ ابن عربی، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ص ۵۲۳).

۲. آیه ۱۳۰ آل عمران:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران (۳)، ۱۳۰).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را چند برابر نخورید، از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید
در تفسیر این آیه به جهت وجود قید «اضعافاً مضاعفة» دو دیدگاه مطرح است: غالب مفسران قید مذکور را قید توضیحی و غالبی می‌دانند و معتقدند که باعث تخصیص حکم حرمت ربا نمی‌شود و در مقام تشبیه می‌گویند این آیه همانند آن است که گفته شود: «از

مصرف مواد مخدر که نابودکننده انسان و متلاشی‌کننده خانواده و ... است، بپرهیزد. معنای این جمله این نیست که مصرف مواد مخدر تا رسیدن به این حد اشکالی ندارد. گروه دوم قید مذکور را احترازی دانسته، معتقدند که باعث تخصیص آیه به ربا (نرخ بهره‌های) فاحش می‌شود (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ص ۱۲۱ - ۱۲۹) و شامل قرض‌های با نرخ بهره کم نمی‌شود؛ اما هر دو گروه درباره اطلاق آن و شمول آیه به تمام انواع قرض با بهره اعم از مصرفی و انتاجی توافق دارند و تاکنون هیچ فقیه و مفسری این آیه را بر قرض‌های خاص ناظر نمی‌داند.

۳. آیه ۲۷۵ بقره:

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْتَبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا (بقره (۲)، ۲۷۵).

کسانی که ربا می‌خورند، به پای نمی‌خیزند، مگر مانند کسی که بر اثر تماس با شیطان، آشفته حال شده است. این به سبب آن است که گفتند: دادوستد مانند ربا است، و خدا دادوستد را حلال و ربا را حرام کرده است.

در این مسأله که مجازات مطرح در صدر آیه، مجازات دنیایی است یا آخرتی و یا هر دو، بین مفسران اختلاف نظر است (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ص ۱۳۴ و ۱۳۵)؛ اما این که به مقتضای ادبیات عرب، دو جای آیه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا» و «حَرَّمَ الرِّبَا» اطلاق لفظی دارد و شامل هر آنچه عرفاً ربا بر آن صدق می‌کند، می‌شود، هیچ تردیدی نیست؛ بنابراین، مقتضای اولیه آیه اطلاق است و شامل همه انواع ربا می‌شود، و ادعای تقیید و انصراف، به حجت شرعی نیاز دارد.

۴. آیه ۲۷۶ بقره:

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (بقره (۲)، ۲۷۶).

خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس گنجه‌کاری را دوست ندارد. این آیه نیز به مقتضای قواعد عمومی ادبیات عرب اطلاق دارد و شامل هر آنچه در دید عرف ربا هست، می‌شود و چنان که اهل فن می‌دانند، وجود «یربى الصدقات» نمی‌تواند قید باشد؛ چون از جهت فنی، با اطلاق «یَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا» هیچ تنافی ندارد؛ یعنی هیچ مشکل ادبی پیش نمی‌آید که گفته شود: «خداوند همه انواع ربا اعم از مصرفی، تولیدی و تجاری را نابود می‌کند و انفاق‌ها و صدقه‌ها را افزایش می‌دهد» و صرف تناسب صدقه‌ها و انفاق‌ها

با نوع خاصی از ربا باعث تقیید نمی‌شود؛ پس این آیه هم از جهت اصول فقه، اطلاق دارد و ادعای تقیید، به قرینه و مقید خارجی نیازمند است.

۵. آیه ۲۷۸ و ۲۷۹ بقره:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره (۲)، ۲۷۸ و ۲۷۹).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و آنچه را از ربا باقی مانده است رها کنید، اگر ایمان دارید و اگر چنین نکردید، بدانید، خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن شما است. نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود.

این دو آیه افزون بر این که به مقتضای قواعد اصولی، اطلاق دارد و شامل هر نوع ربای عرفی می‌شود، به نقل مفسران بسیاری شأن نزولی دارد که نه تنها اطلاق را تأیید می‌کند، بلکه به تحریم ربای قرض‌های سرمایه‌گذاری و تجاری تصریح دارد. بسیاری از مفسران چون مقاتل، زید بن اسلم، ابن عباس، سدی، ابن جریح، سیوطی و قرطبی گفته‌اند که این آیه درباره ربای بنی‌ثقیف نازل شده است و ماجرا را چنین شرح داده‌اند:

بنی‌ثقیف قبیله‌ای متشکل از چهار برادر به نام‌های مسعود، حیب، ربیع و عبدیلیل، فرزندان عمر بن عمیر بن عوف ثقیفی بودند. آنان در جاهلیت، از عباس بن عبدالمطلب و خالد بن ولید قرض ربوی می‌گرفتند و به بنی‌مغیره، از قبیله بنی‌محزوم و به بنی‌عبد، از قبیله ثقیف قرض ربوی می‌دادند. وقتی بنی‌ثقیف خواستند مسلمان شوند، هیأتی را به سرپرستی عبدیلیل به حضور رسول خدا ﷺ فرستادند. نمایندگان آن‌ها در ماه رمضان سال نهم هجری خدمت پیامبر اکرم ﷺ رسیدند و با حضرت گفت‌وگو کردند. ضمن یکی از این جلسات، عبدیلیل، از پیامبر ﷺ پرسید: نظر شما در مورد ربا چیست؟ حضرت ﷺ فرمود: ربا حرام است.

عبدیلیل گفت: همه اموال ما ربا است!

پیامبر ﷺ فرمود: شما حق دارید اصل اموالتان را بگیرید.

بعد از چند دور مذاکره، نمایندگان ثقیف پیمان‌نامه صلحی را با رسول خدا ﷺ امضا کردند و در آن شرایطی گنجانده بودند از جمله این که هرچه ربا طلب دارند، بگیرند؛ اما هرچه دیگران از آنان ربا طلب دارند، باطل شود. پیامبر ﷺ این شرایط را نپذیرفت و فرمود: در آخر پیمان‌نامه بنویسند: «ان لهم ما للمسلمین و علیهم ما علی المسلمین أن لا یاکلوا الربا و

لايؤكلوا؛ برای آنان است هر آنچه از حقوق و تکالیف برای دیگر مسلمانان است، ربا نگیرند و ربا ندهند».

بنی ثقیف برخلاف فرموده رسول خدا ﷺ هنگام سر رسید طلب خود، نزد بنی مغیره آمدند و ربا طلبیدند. آنان از دادن ربا امتناع کردند و گفتند: ربا باطل شده است. ثقیفیان گفتند: ما با پیامبر ﷺ مصالحه کرده ایم که رباهایمان را بگیریم!

بنی مغیره نزد عتاب بن اسید که بعد از فتح مکه، کارگزار پیامبر ﷺ در مکه بود، رفتند و شکایت کردند. «عتاب» شرح واقعه را به رسول خدا ﷺ نوشت؛ پس این آیه نازل شد:

يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و ذرو ما بقى من الربوا ان كنتم مؤمنين فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله ...

پیامبر اکرم ﷺ در نامه ای که به عتاب بن اسید نوشت، فرمان داد این آیه را برای ثقیف بخواند. بنی ثقیف پس از شنیدن آیه گفتند: «ما طاقت جنگ با خدا و رسولش را نداریم» و از رباخواری دست کشیدند (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ص ۱۵۶ و ۱۵۷).

مطابق این شأن نزول، بنی ثقیف برای نیازهای مصرفی قرض نمی کردند؛ بلکه کار آنها همانند کار صرافان و بانکهای ربوی بود. از یک طرف، قرض ربوی می گرفتند و از طرف دیگر به متقاضیان، قرض با بهره می دادند و از اختلاف نرخ، درآمد کسب می کردند و به همین مناسبت بود که عبدیاللیل می گوید: همه اموال ما از ربا است.

نکته دیگری که ذیل آیه دوم است و در قرض های سرمایه گذاری ظهور دارد، تعبیر «فلکم رؤوس اموالکم» است. به طور معمول، عرف، تعبیر «سرمایه» را در جایی به کار می برد که پول و مالی برای فعالیت اقتصادی در اختیار دیگری قرار داده شود و در قرض های مصرفی، چنین اصطلاحی را به کار نمی برند؛ بلکه می گویند: «اصل پول یا اصل مالت» را بگیر.

نتیجه این که آیات پنجگانه همگی به اطلاق دلالت می کنند. هر آنچه از دید عرف ربا شمرده می شود، حرام است و افزون بر آن، آیه اوّل و پنجم گذشته از اطلاق، به اعتقاد مفسران بر قرض های سرمایه گذاری ناظر است؛ بنابراین، کسی که ادعای حلیت ربا در قرض های سرمایه گذاری (تولیدی و تجاری) می کند، باید با ادله روشن اثبات مقید کند تا آیات قرآن را قید زند یا ادله روشنی بر انصراف اقامه کند و از انعقاد ظهور اطلاق آیات مانع شود.

ب. میزان دلالت روایات

مطالعه روایات وارده در باب ربا نشان می‌دهد که روایات به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروه نخست اطلاق دارد و به اطلاق شامل ربا در قرض‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری می‌شود. گروه دوم ظهور و در مواردی تصریح در قرض‌های سرمایه‌گذاری دارد و گروه سوم در قرض‌های مصرفی ظهور دارد حال با رعایت اختصار به ترتیب از هر گروه چند نمونه را ذکر می‌کنیم.

۱. روایت محمد بن قیس

عن ابی جعفر علیه السلام قال: من أقرض رجلاً ورقاً فلا يشترط ألا مثلها، فان جوزی اجود منها فليقبل ولا يأخذ احد منكم ركوب دابة او عارية متاع يشترط من اجل قرض ورقه (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۳۵۷، ح ۱۱).

محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: کسی که به دیگری درهم‌هایی را قرض می‌دهد، جز برگرداندن مثل آن را شرط نکند؛ پس اگر بهتر از آن به او بازگردانده شد بپذیرد. هیچ‌کدام از شما در مقابل قرض دادن درهمی، سواری حیوان یا عاریه چیزی را شرط نکنند.

۲. روایت حفص بن غیاث

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: الربا ربا، ان احدهما حلال و الاخر حرام، فاما الحلال فهو ان یقرض الرجل قرضاً طمعاً ان یزیده و یعوضه باكثر مما اخذه بلا شرط بینهما، فان اعطاه اكثر مما اخذه بلا شرط بینهما فهو مباح له و لیس له عند الله ثواب فیما اقرضه، و هو قوله عزوجل «فلا یربوا عند الله» و اما الربا الحرام فهو الرجل یقرض قرضاً و یشترط ان یرد اكثر مما اخذه فهذا هو الحرام (همان: ص ۱۶۰، ح ۱).

حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: ربا دو گونه است: حلال و حرام. ربای حلال آن است که شخص قرض دهد بدان امید که زیاده‌تر به وی برگرداند بدون آن‌که شرطی میان آن‌ها باشد. در این صورت، اگر بیشتر به وی برگرداند، در حالی که شرطی میان آنان نیست، مباح است و این قرض نزد خداوند ثوابی ندارد، و این همان است که خداوند عزوجل در قرآن فرمود: «نزد خداوند زیاد نمی‌شود»؛ اما ربای حرام آن است که قرض دهد و شرط کند بیشتر از آنچه قرض داده برگردانده شود. این ربا حرام است.

۳. روایت حلبی

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اذا اقترض الدرهم ثم جاءك بخیر منها فلا بأس اذا کم یکن بینکما شرط
(همان: ص ۳۶، ح ۱).

حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: زمانی که دراهمی را قرض می دهی و او
بهتر از آنچه را قرض کرده می آورد، اشکالی ندارد مادامی که بین شما شرط نباشد.

۴. روایت امیرمؤمنان علیه السلام

روی علی علیه السلام عن الرسول صلی الله علیه و آله قال: کل قرض جرّ منفعة فهو ربا (ابوحنیفه، بی تا: ج ۲، ص ۶۱ - ۱۶۷؛
صیابطی، ۱۴۱۳ق: ج ۵، ص ۳۵۱).

حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: هر قرضی که نفعی برای
قرض دهنده در پی داشته باشد، ربا است.

روایات چهارگانه که از باب نمونه نقل شدند، به اطلاق یا عموم دلالت دارند، هر
قرضی که در آن شرط زیاده شده باشد اعم از این که هدف قرض گیرنده مصرف یا
سرمایه گذاری باشد، ربا و حرام است. این روایات از حیث دلالت شبیه آیات ربا هستند.

۵. روایت اسحاق بن عمار

عن ابی الحسن علیه السلام قال: سألته عن الرجل یكون له مع رجل مال قرضاً فیعطیه الشيء من ربحه مخافة ان
یقطع ذلك عنه فیأخذ ماله من غیر ان یكون شرط علیه؟ قال: لا بأس بذلك ما لم یکن شرطاً
(حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۳۵۴، ح ۳).

اسحاق بن عمار می گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام در مورد مردی که به مردی مالی را قرض
داده، پرسیدم: قرض گیرنده با آن مال کار می کند و بخشی از سود را به قرض دهنده می پردازد، از
ترس این که مبادا صاحب مال، مالش را پس بگیرد، بدون این که از قبل بین آنان شرطی بوده باشد.
امام علیه السلام فرمود: مادامی که براساس شرط نباشد، اشکالی ندارد.

۶. روایت علی بن جعفر

علی بن جعفر عن اخیه (موسی بن جعفر علیه السلام) قال: سألته عن رجل اعطی رجلاً مائة درهم یعمل بها، علی یعطیه
خمسة دراهم او اقل او اکثر، هل یحلّ ذلك؟ قال: هذا الربا محضاً (همان: ج ۱۸، ص ۱۳۷، ح ۷).

علی بن جعفر در کتاب خود از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام نقل می کند که از حضرت
پرسیدم مردی صد درهم به دیگری می دهد تا با آن کار کند به شرط این که پنج درهم یا
کمتر یا بیشتر به او پردازد. آیا این حلال است؟ امام علیه السلام فرمود: این ربای محض است.

۷. روایت دعائم الاسلام

عن ابی عبدالله علیه السلام، انه قال فی الرجل يعطی الرجل مالاً ليعمل به، علی ان يعطيه ربحاً مقطوعاً، قال: هذا الربا محضاً (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۳، ص ۳۴۴، ح ۳).

امام صادق علیه السلام در مورد مردی که به کسی مالی می دهد تا با آن مال کار کند و شرط می کند که قرض گیرنده سود مقطوعی بپردازد، فرمود: این ربای محض است.

۸. روایت هذیل بن حیان

عن هذیل بن حیان (اخی جعفر بن حیان الصریفی) قال: قلت لابی جعفر علیه السلام: انی دفعت الی اخی جعفر مالاً فهو يعطينی ما أنفقه وأحج منه وأتصدق، و قد سألت من قبلنا فذکروا أن ذلک فاسد لا یحل، و أنا أحب أن أنتهی الی قولک، فقال لی: أکان یصلک قبل أن تدفع الیه مالک؟ قلت: نعم، قال: خذ منه ما يعطیک فکل منه و اشرب و حج و تصدق، فاذا قدمت العراق فقل: جعفر بن محمد أفتانی بهذا (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۳۵۳، ح ۲).

هذیل بن حیان برادر جعفر بن حیان صراف می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: من به برادرم جعفر مالی را داده ام و او به من به مقداری عطا می کند که خرج زندگی می کنم. حج به جا می آورم و صدقه می دهم. از افراد قبل از خود درباره این کار پرسیدم. گفتند: حلال نیست و فاسد است و من دوست دارم نظر شما را بدانم. امام علیه السلام فرمود: آیا قبل از آن که مالت را به او قرض دهی، برای تو بخشش می کرد؟ گفتیم: بلی، فرمود: آنچه می پردازد از او بگیر. استفاده کن. حج به جا بیاور و صدقه بپرداز، و زمانی که به عراق رسیدی بگو: این فتوای جعفر بن محمد است.

۹. روایت سکونی

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام: لا بأس بأن يأخذ الرجل الدراهم بمکة و یکتب لهم سفاتج أن يعطوها بالكوفة (همان: ج ۱۸، ص ۱۹۶، ح ۳).

سکونی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که امیرمؤمنان علیه السلام می فرمود: اشکالی ندارد کسی دراهمی را در مکه از کسی قرض کند و به او سفته (رسید) دهد تا در کوفه پس بگیرد.

نظیر این ها روایات بسیاری از معصومان علیهم السلام رسیده است (همان: ج ۱۸، ص ۱۹۶ و ۱۹۷، ح ۱ - ۷). روایات پنجم تا نهم به ظهور و به تصریح بر وجود قرض های تولیدی و سرمایه گذاری در زمان معصومان علیهم السلام دلالت می کنند؛ در عین حال فرموده اند: اگر شرط زیادی در آن قرض ها نشده باشد، اشکال ندارد؛ اما اگر شرط زیادی شده باشد، همان ربای حرام خواهد بود.

۱۰. روایت عبدالله بن سنان

قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن رجل أسلف رجلاً زيتاً على أن يأخذ منه سمناً؟ قال: لا يصلح» (همان:

ج ۱۸، ص ۱۴۷، ح ۶۶).

عبدالله بن سنان می گوید: از امام جعفر صادق عليه السلام درباره مردی که به دیگری روغن زیتون قرض می دهد و با او شرط می کند که روغن حیوانی برگرداند پرسیدم. امام فرمود: جایز نیست.

۱۱. روایت ابی مریم

عن ابی عبدالله عليه السلام قال: أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يكون عليه التني فيعطى الرباع» (همان: ج ۱۸، ص ۱۹۲، ح ۶).

ابی مریم از امام صادق عليه السلام نقل می کند که فرمود: هر وقت بر عهده پیامبر شتر دوساله ای بود، شتر چهارساله عطا می کرد [= چون شرط زیاده نشده بود، بهتر از آنچه قرض کرده بود، می پرداخت].

۱۲. روایت داوود ابزاری

عن ابی عبدالله عليه السلام قال: لا يصلح أن تقرض ثمرة و تأخذ أجود منها بأرض أخرى غير التي أقرضت فيها» (همان: ج ۱۸، ص ۱۹۴، ح ۱۰).

داوود ابزاری از امام صادق عليه السلام نقل می کند که فرمود: جایز نیست محصولی را قرض دهی و بهتر از آن را در مکان دیگری پس بگیری.

روایات دهم تا دوازدهم در قرض مصرفی ظهور دارند و زیادی بدون شرط را حلال و زیادی با شرط را حرام می شمارند.

نتیجه این که اولاً برخی از آیات و روایات در حرمت ربای سرمایه گذاری (تولیدی و تجاری) صراحت دارند و ثانیاً بر فرض هم از صراحت آنها صرف نظر کنیم، عموم و اطلاق آنها شامل هر نوع قرض با بهره، اعم از مصرفی و تجاری، هر دو می شود و ادعای اختصاص یا انصراف آنها به خصوص ربای قرض های مصرفی به دلیل نیاز دارد.

حال به بررسی ادله ارائه شده می پردازیم تا میزان دلالت آنها بر تقیید و انصراف را به دست آوریم.

۱. ادعای اختصاص ربای جاهلی به قرض‌های مصرفی

گذشت که غالب طرفداران حکایت ربای قرض‌های تولیدی و تجاری مدعی‌اند که آیات تحریم ربا و روایات تحریم ربا، به ربای رایج در عربستان جاهلی ناظر است و ربای عرب جاهلی فقط در قرض‌های مصرفی بود و اصولاً قرض‌های غیرمصرفی زاییده پیشرفت و صنعتی‌شدن جوامع است و در جوامع معیشتی جایگاهی نداشت.

بررسی تاریخ صدر اسلام و فعالیت‌های اقتصادی جزیره العرب به‌ویژه شهر مکه و مدینه، بطلان این ادعا را به روشنی اثبات می‌کند. مطالبی که اکنون می‌آید، نشان می‌دهد که برخلاف ادعای پیشین، اکثر قرض‌های ربایی بین اعراب جاهلی برای کسب و تجارت و سرمایه‌گذاری بوده است. برای این منظور، نگاهی اجمالی به تاریخ اقتصادی صدر اسلام خواهیم داشت.

گزارش اجمالی از اوضاع اقتصادی صدر اسلام

پیش از اسلام، به سبب جنگ‌هایی که بین ایران و روم رخ داد، روابط تجاری این دو کشور که به‌طور عمده از طریق دریا بود، کاستی گرفت و این امر، زمینه مناسبی را پدید آورد تا مردم جزیره العرب، به‌ویژه مکیان نقش واسطه تجاری بین دو منطقه مهم اقتصادی را عهده‌دار شوند. تاجران عرب، کالاهای ایرانی را از بندرهای یمن می‌خریدند و در شام می‌فروختند و کالاهای رومی را از شام می‌خریدند و در یمن می‌فروختند. آنان هر سال دو سفر تجاری داشتند: سفر زمستانی به سوی یمن و سفر تابستانی به سوی شام. در قرآن کریم هم به این دو سفر اشاره شده است (علی‌جواد، ۱۹۷۱م: ج ۴، ص ۱۱۳).

لَا يَلْفُ قَرِيشٍ إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةُ الشَّاءِ وَالصَّيْفِ (قریش ۱۰۶)، ۱ و ۲.

مردم مکه نقش مهمی در تجارت داشتند و افزون بر حضور در بازارهای محلی و تشکیل کاروان‌های تجاری داخلی، کاروان‌های بزرگی برای خرید و فروش کالاهای سرزمین‌های گوناگونی چون ایران، عراق، شام، روم و حبشه به راه می‌انداختند. عرب‌ها گذشته از تجارت خشکی، در تجارت دریایی بین عربستان و حبشه نقش داشتند. آنان مالک کشتی‌های بازرگانی بودند (اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۶۵). حضور انبوه بازرگانان عرب در

بازارهای «زنگبار»، نشان‌دهنده نقش فعال آنان در دادوستد منطقه بود (علی‌جواد، ۱۹۷۱م: ج ۷، ص ۲۶۱). بسیاری از مردم مکه در تهیه سرمایه کاروان‌های تجاری شرکت می‌کردند به این معنا که کاروان‌های بزرگ به یک نفر یا یک قبیله اختصاص نداشت؛ بلکه بیشتر مردم هر چند با گرفتن وام، سرمایه‌ای تهیه می‌کردند و در کاروان سهیم می‌شدند. در کاروانی که به سرپرستی ابوسفیان به شام رفته بود و در جنگ بدر نزدیک بود مورد حمله مسلمانان قرار گیرد، بیشتر مردم مکه سهیم بودند. هر یک از زنان و مردان قریش که دست‌کم یک مثقال طلا داشت، در آن کاروان مشارکت کرد.

راه‌های تأمین سرمایه تجاری

بازرگانان قریش برای تهیه سرمایه تجاری از روش‌های ذیل استفاده می‌کردند.

۱. مضاربه

از جمله راه‌های ازدیاد ثروت، مضاربه بود که به آن «قراض» هم می‌گفتند. مضاربه به این صورت بود که صاحب مال، سرمایه مورد نیاز تاجر را تأمین می‌کرد تا وی به تجارت بپردازد و در پایان، پس از کنار گذاشتن سرمایه، در سود باقیمانده به نسبت مشخصی سهیم باشند. در زمان جاهلیت، خسارت احتمالی بر عهده تاجر بود. پس از اسلام، خسارت بر عهده صاحب سرمایه قرار گرفت و سود همچنان بر حسب توافق طرفین تقسیم می‌شد (طبری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۴۳۴ و ۴۳۵). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز قبل از بعثت، با اموال حضرت خدیجه براساس قرارداد مضاربه تجارت می‌کرد.

۲. ربا

رباخواری در عربستان شایع بود و ثروتمندان عرب، با دادن قرض‌های ربوی، بر اموال خویش می‌افزودند. آنان افزون بر نیازمندان که جهت تأمین نیازمندی‌های زندگی وام می‌گرفتند، به بازرگانی هم که سرمایه کافی در اختیار نداشتند، قرض می‌دادند. این افراد به طمع این که از راه بازرگانی می‌توانند به سودی بیشتر از بهره پول دست یابند، وام می‌گرفتند (شریف، ۱۹۶۵م: ص ۲۱۲ - ۲۱۴؛ علی‌جواد، ۱۹۷۱م: ج ۷، ص ۴۰۴ - ۴۲۱).

ج. معامله‌های نسبه

خرید و فروش نسبه میان اعراب رایج بود. بیشتر بازرگانانی که سرمایه کافی برای تجارت نداشتند، نسبه خرید می‌کردند. برخی از افرادی که خودشان تجارت می‌کردند یا در کاروان دیگری حضور داشتند، بخشی از سرمایه خویش را نسبه و به قیمت بالاتر، به فرد دیگری می‌فروختند و مشتری امید داشت تا سررسید بیع نسبه، کالاها را به قیمتی بالاتر خواهد فروخت؛ مانند همین معاملات نسبه که امروزه بین مؤسسات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی رایج است (علی‌جواد، ۱۹۷۱م: ج ۷، ص ۴۰۴).

۵۵

اقتصاد اسلام

ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری

تأمین سرمایه برای امور بازرگانی از طریق قرض ربایی چنان بین اعراب رواج یافته بود که وقتی اسلام ربا را تحریم کرد، شگفت‌زده می‌گفتند: «إنما البیع مثل الربا»؛ خرید و فروش و ربا مانند هم هستند! آن‌ها معتقد بودند که نمی‌توان ربا را از دایره فعالیت‌های اقتصادی کنار گذاشت؛ چون «ربا» اجرت سرمایه‌ای است که در اختیار تاجر گذاشته می‌شود (همان: ص ۴۲۶)؛ بنابراین، گرفتن وام به منظور به‌کارگیری آن در امور تولیدی و بازرگانی بین اعراب جاهلی مرسوم بود. طبری نقل می‌کند: در ایام جاهلیت، صاحبان ثروت به افراد قرض می‌دادند تا قرض‌کنندگان بتوانند ثروت خود را فزونی بخشند و این از طریق به‌کارگیری اموال قرض شده بود. همین گفته از ابراهیم نخعی نیز نقل شده است (همان: ص ۴۲۸). در مباحث پیشین هم آمد که برخی از مردم مکه برای شرکت در کاروان تجاری قریش، قرض می‌کردند. روشن است که صاحبان ثروت حاضر نمی‌شدند به‌صورت قرض‌الحسنه به آنان وام دهند. نیز در مسأله اسلام آوردن ثقیف گفتیم: بنی‌ثقیف وقتی آگاه شدند که ربا در اسلام حرام است، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند: همه اموال ما از ربا است! از جمله شرط‌هایی که بنی‌ثقیف در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح کردند، این بود که هر چه دیگران به‌صورت ربا از آنان طلب دارند، لغو شود؛ اما هر چه آنان از دیگران طلب دارند، بگیرند! رسول خدا صلی الله علیه و آله شرایط آن‌ها را نپذیرفت (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۶۴ - ۳۶۶). همه این‌ها نشانه این است که بنی‌ثقیف شبیه بانک‌های امروزی، از یک سو، قرض با بهره می‌گرفتند و از سوی دیگر، قرض با بهره می‌دادند.

نتیجه این‌که مطالعه تاریخی صدر اسلام نشان می‌دهد قرض ربایی نه تنها به قرض‌های مصرفی اختصاص نداشت، بلکه به‌صورت راهکار رایجی برای تأمین سرمایه کنار قرارداد مضاربه و بیع نسبه مطرح بوده است و اسلام با تحریم ربا، مضاربه و بیع را تجویز کرد.

۲. ادعای اجمال آیات و روایات تحریم ربا

چنان‌که گذشت، طرفداران نظریه حلیت ربای قرض‌های تولیدی و تجاری مدعی هستند آیات و روایات ربا اجمال دارند و قدر متیقن از آنها ربای قرض‌های مصرفی است. مطالب گذشته نشان داد آیات و روایات تحریم ربا از جهت شمول درباره نوع قرض هیچ اجمالی ندارند. اولاً ربای قرض‌های تولیدی و تجاری برای اعراب به‌طور کامل شناخته شده بود و بین آنان رواج داشت و ثانیاً برخی از آیات و روایات به خصوص ربای قرض‌های تجاری و سرمایه‌گذاری ناظر است؛ بنابراین، هیچ وجهی برای اجمال آیات و روایات و مراجعه به قدر متیقن نخواهد بود و مقتضای قواعد اصولی، عمل به عموم و اطلاق آیات و روایات تحریم است.

۵۶

اقتصاد اسلامی

۳. ادعای غیر ظالمانه بودن ربای قرض‌های تولیدی

گفته می‌شود که مطابق آیات و روایات، علت تحریم ربا، ستم است و این در خصوص قرض‌های مصرفی پیش می‌آید. جایی که نیازمندی برای تأمین نیازمندی‌های ضرور زندگی به قرض احتیاج می‌یابد، بدیهی است که گرفتن زیاده از چنین فردی ستم است؛ اما گرفتن زیاده از تولیدکننده یا تاجری که با استفاده از مال قرض‌گرفته شده کسب سود کرده، نه تنها ظلم نیست، بلکه عین عدالت است.

در پاسخ این ادعا می‌گوییم: اولاً در قرض‌های تولیدی و تجاری، در موارد فراوانی، تولیدکننده و تاجر یا اصلاً سودی به‌دست نمی‌آورد یا سود حاصل، در حد پایین است؛ پس طبق استدلال شما گرفتن زیاده به‌ویژه اگر بیش از مقدار کل سود باشد، ظلم خواهد بود. ثانیاً خیلی از موارد قرض‌های مصرفی برای تهیه نیازمندی‌های ضرور نیست. کارمندی که برای تعویض اتومبیل سواری یا مبلمان منزل اقدام به استقراض کرده و به راحتی می‌تواند اصل بدهی و بهره آن را به‌صورت ماهانه بپردازد، مطابق این نظریه نباید گرفتن بهره و زیاده از او حرام باشد؛ در حالی که قرض مصرفی است.

حلّ مسأله به این است که قرارداد قرض، قرارداد تملیکی است. با دادن قرض، مال قرض داده‌شده به ملکیت قرض‌گیرنده در می‌آید و او متعهد می‌شود در سررسید معین مثل مال قرض شده را برگرداند؛ بنابراین، هر نوع بازده مربوط به مال قرض‌شده به قرض‌گیرنده متعلق خواهد بود؛ چنان‌که اگر هر نوع عیب یا تلفی در مال قرض‌گرفته‌شده رخ دهد،

مربوط به وی خواهد بود. به عبارت دیگر، در قرارداد قرض، قرض دهنده با انتقال ملکیت مال به قرض گیرنده (تبدیل مال عینی به مال ذمی) اصل مال خود را از هر نوع تغییر و تحوّل محفوظ می‌دارد؛ بنابراین گرفتن زیاده در قرارداد قرض (اعم از این‌که قرض برای مصرف یا برای سرمایه‌گذاری باشد)، ستم و به ناحق خواهد بود. اگر صاحب سرمایه قصد دارد در سود حاصل از مال خود سهیم شود، باید قراردادی غیر از قرارداد قرض، مانند مضاربه، مزارعه، مساقات و شرکت برگزیند تا همان‌گونه که در سود انتظاری شریک می‌شود، در ضرر احتمالی نیز مشارکت کند، و این عین عدالت است.

۵۷

۴. ادعای اکل مال به باطل نبودن ربای تولیدی

گفته می‌شود که قرض‌های مصرفی، در تولید جامعه نقشی ندارند؛ در نتیجه گرفتن زیادی در مقابل آن‌ها اکل مال به باطل خواهد بود برخلاف قرض‌های تولیدی که در تولید ثروت جامعه نقش موثری دارند و گرفتن زیادی در مقابل آن‌ها اکل مال به باطل نیست. در پاسخ این ادعا می‌گوییم: اولاً برخی از قرض‌های تولیدی نیز منتهی به بازده و افزایش ثروت نمی‌شود؛ بلکه در مواردی با ورشکستگی و خسارت مواجه می‌شود. ثانیاً قرض‌های مصرفی نیز در مواردی باعث سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و بهبود وضعیت کار و در نتیجه منتهی به افزایش بهره‌وری و افزایش ثروت جامعه می‌شود؛ مانند هزینه‌های رفاهی، آموزشی، بهداشتی و درمانی که باعث بهبود وضعیت نیروی کار و افزایش ثروت در جامعه می‌شود؛ بنابراین، تقسیم قرض‌ها به دو گروه مصرفی و تولیدی و ادعای این‌که همه قرض‌های تولیدی باعث افزایش ثروت در جامعه می‌شود و گرفتن زیاده اکل مال به باطل نیست، و همه قرض‌های مصرفی نقشی در افزایش ثروت جامعه ندارند و گرفتن زیاده کل مال به باطل است، تقسیم درستی نیست.

واقعیت مسأله این است که قرض دهنده وقتی مال قرض داده شده را به ملکیت قرض گیرنده در می‌آورد، هیچ حقی در مال مذکور نمی‌یابد و تمام عواقب آن مال مربوط به قرض گیرنده است؛ در نتیجه، گرفتن زیاده در هر قرضی (مصرفی یا غیرمصرفی) اکل مال به باطل خواهد بود. به همین مناسبت، آیات و روایات بدون فرق بین نوع قرض، ربا را اکل مال به باطل دانسته‌اند (نساء (۴)، ۱۶۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۱۲۸).

۵. ادعای ظهور برخی آیات و روایات در ربای مصرفی

گفته می‌شود: کنار برخی از آیات و روایات تحریم ربا، به انفاق، صدقه، بخشش و مهلت دادن بدهکار ناتوان سفارش شده است و این با قرض‌های مصرفی تناسب دارد. در پاسخ می‌گوییم: همراه شدن تحریم ربا در بعضی از آیات قرآن با تشویق به تصدق و مهلت دادن به بدهکار، دلیل نمی‌شود که موضوع تحریم، فقط ربا در قرض‌های مصرفی باشد؛ زیرا:

اولاً امر به مهلت دادن و تشویق به بخشش و ایثار، همان‌طور که در مورد قرض‌های مصرفی جا دارد، در قرض‌های سرمایه‌گذاری نیز پیش می‌آید. تاجر یا تولیدکننده‌ای که جهت فعالیت اقتصادی و کسب درآمد استقراض می‌کند، گاهی دچار ورشکستگی می‌شود. در چنین مواقعی سفارش به مهلت دادن و بخشش کاملاً مناسب است و وظیفه انسانی و پسندیده است. ثانیاً کنار این آیات و روایات، چنان‌که گذشت، برخی آیات و روایات وجود دارند که ظهور، بلکه صراحت در تحریم ربای قرض‌های تولیدی و تجاری دارند؛ مانند آیه «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره ۲)، (۲۷۵)، و آیه «وَأِنْ تَبَنُّوا فَلَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِکُمْ» (همان: ۲۷۹) و مانند روایات اسحاق بن عمار، علی بن جعفر، دعائم‌الاسلام و هذیل بن حیان و روایت سکونی که توضیحشان گذشت.

۶. ادعای ظهور تعلیل روایات در ربای مصرفی

گفته می‌شود: تعلیل‌هایی که در روایات تحریم ربا آمده، به قرض‌های مصرفی ناظر است و شامل قرض‌های تولیدی نمی‌شود؛ چرا که قرض‌های تولیدی نه تنها مانع کسب و تجارت نمی‌شود، بلکه باعث رونق آن‌ها خواهد شد. در پاسخ می‌گوییم: روایات تعلیل تحریم ربا به دو گروه تقسیم می‌شوند.

گروه نخست، علت تحریم ربا را ترک قرض الحسنه می‌دانند؛ مانند روایت محمد بن سنان از امام رضا علیه السلام که در آن روایت آمده است:

... و علت تحریم الربا بالنسیئة لعلة ذهاب المعروف و تلف الأموال و رغبة الناس فی الربح و ترکهم القرض و القرض صنائع المعروف (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۸، ص ۱۲۱، ح ۱۱).

... و علت تحریم ربا در نسیه، از بین رفتن کارهای نیک و نابودی اموال و گرایش مردم به سودجویی و رهاکردن قرض است؛ حال آن‌که قرض از کارهای نیک شمرده می‌شود.

حق این است که این گروه از روایات، مردم را به ترک سود و ربا و انجام کارهای پسندیده، به‌ویژه اعطای قرض الحسنه فرا می‌خوانند که بیشتر با قرض‌های مصرفی تناسب دارند. در مقابل، گروه دوم از روایات تعلیل تحریم ربا، بحث ترک ربا و روی آوردن به تجارت را مطرح می‌کنند؛ مانند روایت هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ، فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِتَنْفَرِ النَّاسِ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ إِلَى التَّجَارَاتِ مِنَ الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ (همان: ج ۱۸، ص ۱۲۰، ح ۸).

۵۹

اگر ربا حلال بود، مردم، دادوستد و معاملات را رها می‌کردند. خداوند آن را حرام کرد تا مردم از حرام به حلال و به سوی دادوستد و تجارت روی آورند.

اقتصاد اسلام

روشن است که این تعلیل در مقابل ربای تولیدی و تجاری است؛ زیرا کسی که اموال خود را قرض می‌دهد و ربا می‌گیرد، در حقیقت سرمایه خود را از فعالیت تولیدی و تجاری خارج می‌کند و خداوند با تحریم ربا می‌خواهد افرادی که دنبال سود هستند، از طریق فعالیت‌های واقعی اقتصادی (تولید و تجارت) کسب سود کنند، نه از طریق قرض ربوی؛ بنابراین، روایات تعلیل تحریم ربا همان‌طور که به قرض‌های مصرفی ناظر هستند، شامل قرض‌های تولیدی و تجاری نیز می‌شوند.

۷. ادعای عقلایی بودن ربای تولیدی

گفته می‌شود که سیره عقلا بر حلیت ربا در قرض‌های تولیدی است و شارع مقدس از این سیره نهی نکرده است. در پاسخ می‌گوییم: اولاً در طول تاریخ عقلایی بسیاری از اندیشه‌وران و اقتصاددانان با قرض‌های ربایی مخالف هستند و معتقدند که نرخ بهره، مانع از تولید و اشتغال است و هر چه نرخ بهره بالاتر باشد، میزان تولید و اشتغال در جامعه کاهش می‌یابد. ثانیاً آیات و روایاتی که در تحریم ربای قرض‌های تولیدی و تجاری گذشت، در نهی از چنین سیره‌ای (بر فرض وجود) کفایت می‌کند.

در پایان، بیان این نکته مناسب است که بعد از تحریم ربا در قرض‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری، مسلمانان برای تأمین نیازهای مصرفی به اعطای صدقات و قرض الحسنه روی آوردند و برای تأمین نیازهای سرمایه‌گذاری، به سمت تجارت و مضاربه کشیده شدند. به‌صورت الگو، روایتی از سرمایه‌گذاری امام صادق علیه السلام از طریق مضاربه را نقل می‌کنیم:

محمد بن عذافر، عن ابيه، قال: أعطى أبو عبد الله عليه السلام أبا ألفاً و سبعمائة دينار، فقال له: أتعرب بها لي، ثم

قال: أما إنه ليس لي رغبة في ربحها، و إن كان الربح مرغوباً فيه، ولكنني أحببت أن يرانى الله عزوجل
مترضاً لفوائده، قال: فربحت له فيه مائة دينار، ثم لقيته فقلت له: قد ربحت لك فيه مائة دينار قال:
ففرح أبو عبدالله عليه السلام بذلك فرحاً شديداً، ثم قال: أثبتها في رأس مالي (همان: ج ۱۷، ص ۴۳، ح ۱).

محمد بن عذافر از پدرش نقل می‌کند که امام صادق عليه السلام هزار و هفتصد دينار به پدرم داد و فرمود:
با این پول‌ها برای من تجارت کن؛ سپس فرمود: بدان که من به سود این تجارت علاقه‌ای ندارم؛
گرچه سود، امری پسندیده است؛ اما دوست دارم که خداوند عزوجل ببیند، من این پول‌ها را در
معرض سودآوری قرار داده‌ام. پدرم گفت: پس با آن پول‌ها تجارت کردم و برای امام عليه السلام صد دينار
سود به دست آوردم؛ سپس حضرت را ملاقات کردم و گفتم: برای شما، صد دينار سود برده‌ام. پدرم
گفت: پس امام صادق عليه السلام خیلی خوشحال شد؛ سپس فرمود: آن را به سرمایه من اضافه کن.

نتیجه نهایی این‌که راه‌حل مشکل بانک‌ها در ارائه تفسیر جدید از ربا و تجویز آن
نیست؛ بلکه همان‌گونه که روایات راهنمایی کرده‌اند، کنار گذاشتن ربا و روی آوردن به
تجارت‌های واقعی و سامان دادن بانک براساس معاملات مشروع است.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. تورات (عهد قدیم).
۳. انجیل متی و لوقا.
۴. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهارم، ۱۴۰۵ق.
۵. ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۰۸ق.
۶. ابوحنیفه، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، مصر، دارالمعارف، بی تا.
۷. اصفهانی، ابی الفرج، الاغانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۸. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث العربی، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۰. رشیدرضا، سید محمد، تفسیر المنار فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، دوم، بی تا.
۱۱. رفیق المصری، یونس، مصرف التنمية الاسلامی، بیروت، مؤسسه الرساله، سوم، ۱۴۰۷ق.
۱۲. روزنامه اطلاعات، مصاحبه حضرت آیت الله معرفت، ۱۳۷۵/۱۱/۲۷.
۱۳. زرقا، مصطفی، «المشكلات العصرية فی میزان الشرايعه الاسلامیه»، بیروت، مجلة البعث، ۱۳۸۸ق.
۱۴. سیوطی، عبدالرحمان، الدر المنثور، قم، کتابخانهی آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. شریف، احمد ابراهیم، مکه و المدینه فی الجاهلیة و عهد الرسول، قاهره، دارالفکر العربی، سوم، ۱۹۶۵م.
۱۶. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، نیل الأوطار من أحادیث سید الاخبار، تحقیق: عصام الدین الصبابطی، قاهره، دارالحديث، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۷. شلتوت، محمود، الفتاوی، بیروت، دارالشروق، ۱۳۹۵ق.
۱۸. صانعی، یوسف، فقه و زندگی - ۱، ربای تولیدی، قم، انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۳ش.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.

۲۰. علی جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالعلم، اول، ۱۹۷۱م.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، سوم، ۱۴۰۳ق.
۲۲. مجموعه مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی، سخنرانی حضرت آیت الله بجنوردی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری، ۱۳۷۷ش.
۲۳. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۰۸ق.

